

## دستگیری عامل شهادت مدافع امنیت



**گروه حوادث:** قاچاقچی جنایتکار که در یک درگیری مسلحانه ستوان سوم امین سعیدی را به شهادت رسانده بود در عملیات ویژه پلیس غرب استان تهران دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار «کیوان ظهیری» فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران، در بیان جزئیات این

خبر، اظهار داشت: در پی شهادت ستوان سوم امین سعیدی توسط سوداگران مرگ در شهرستان اسلامشهر که شامگاه ۷ آذر رخ داد، شناسایی و دستگیری قاتل فراری در دستور کار پلیس آگاهی استان قرار گرفت و مأموران پلیس آگاهی غرب استان تهران با انجام کار اطلاعاتی و اقدامات پلیسی گسترده، پس از هماهنگی با مقام قضایی، متهم را روز گذشته در یک عملیات منسجم و ضربتی در مخفیگاهش در شهرستان شهریار دستگیر کردند و فرد دستگیر شده برای تشکیل پرونده و معرفی به مرجع قضایی به پلیس آگاهی استان منتقل شد. ستوان سوم امین سعیدی شامگاه یکشنبه ۷ آذر در عملیات دستگیری افراد شرور و قاچاقچیان مواد مخدر در منطقه احمدآباد مستوفی به ضرب گلوله یکی از قاچاقچیان و افراد شرور منطقه احمدآباد مستوفی، به مقام رفیع شهادت نائل شد.

۸۷۲ مجرم در طرح رعد پلیس دستگیر شدند

## از تصاحب خانه پیرزن تا سرقت خودرو برای شرطبندی



**گروه حوادث/ ۸۷۲** متهم که کلکسیونری از جرایم در پرونده خود دارند در پنجاه و یکمین طرح رعد پلیس پیشگیری پایتخت دستگیر شدند. سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی پایتخت در حاشیه این طرح در جمع خبرنگاران گفت: ۸۷۲ سارق، مالخر، اوباش و زورگیر از سوی پلیس دستگیر شدند و ۳ هزار و ۲۹۱ فقره اموال مسروقه از جمله تلفن همراه، خودرو و موتورسیکلت سرقتی کشف شد. در پنج عملیات مأموران با تیراندازی سارقان مسلح مواجه شده که سارقان مسلح زمینگیر و بازداشت شدند. **■ قمار برای پرداخت مهریه** قماربازی متهمان دستگیر شده مرد جوانی حضور داشت که به اتهام قماربازی دستگیر شده است. **■ چرا قمار می‌کنی؟** به خاطر پرداخت مهریه ۱۰۰ میلیونی همسر، مهریه‌اش را نمی‌توانستم پرداخت کنم، تصمیم گرفتم از این راه هزینه مهریه را به‌دست آورم اما دیگر معتاد شدم و ۵ سال است قمار می‌کنم. **■ چند وقت است قمار می‌کنی؟** از وقتی طلاق گرفتم، رفتم در کار قمار که ۵ سالی می‌شود.

**■ شگرد بازی شما چیست؟** تاس می‌اندازم و ورق بازی می‌کنیم. گاهی اوقات دو نفره و یک به یک بازی می‌کردیم که می‌گویند شاخ به شاخ، گاهی اوقات هم گروهی بازی می‌کردیم. قانون قمار ما اینجوری بود که هر کسی تاس بیشتر بیاورد او برنده است و جفت شش هم که دیگر بهترین مهره‌ای بود که می‌آوردیم. قیمت که می‌رفت بالا، سر خودرو شرط بندی می‌کردیم. برای اینکه باخت‌مان را بپردازیم مجبور بودیم خودرو سرقت کرده و به جای باخت‌مان پرداخت کنیم. آخرین بار سوار بر خودروی سرقتی مرا گرفتند.

**■ قرار سوری با کلاهبرداران** مدتی قبل زن میانسالی در خانه‌اش به طرز مشکوکی فوت کرد. با مرگ زن میانسال و از آنجایی که فرزندان او ازدواج کرده و تعدادی از آنها خارج از کشور زندگی می‌کردند خانه ویلایی خالی ماند. تا اینکه مدتی بعد فرزندان وی متوجه شدند که چند نفر خانه مادرشان را با سندسازی تصاحب کرده‌اند و حتی برای آن نگهبان هم گذاشته بودند. زمانی که فرزندان زن ثروتمند از ماجرا با خبر شدند، در نقش خریدار با آنها وارد معامله شدند و سر قرار مأموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران وارد عمل شده و دو نفر از اعضای باند را دستگیر کردند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد ۷ مرد و یک زن سناریوی این کلاهبرداری میلیاردری را طراحی کرده‌اند. آنها برای اجرای نقشه‌شان، پس از مرگ مرد زن میانسال، چندین بار وارد خانه ویلایی شده و اسناد، مدارک و اموال با ارزش را سرقت کرده بودند.

آنها برای اینکه سند خانه ویلایی را به‌دست آورند، حتی چندین بار در روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی کم شدن سند داده بودند، تا بتوانند سند ملک را هم به‌دست بیاورند و آن را به فروش برسانند که مالکان اصلی متوجه شده و در قرار سوری دو نفر از آنها را به دام انداختند. تحقیقات برای دستگیری سایر اعضای این باند و شناسایی سایر مالباختگان احتمالی ادامه دارد.

**■ دستگیری پس از سرقت**

متهم به سرقت روی ویلچر نشسته و می‌گوید در جریان درگیری با مأموران بر اثر اصابت ۴ گلوله مجروح شده است. وی درباره شگرد سرقت‌هایش می‌گوید: سرقت را من انجام نمی‌دادم. تازه از شهرستان آمده بودم و دوستانم پیشنهاد دادند که برای سرقت از یک خانه برویم بعد از آن هم دوستانم در مقابل خانه‌ای نگه داشته و وارد خانه شده و آنجا را سرقت کردند.

**■ پس چرا مجروح و دستگیر شدی؟**

با دوستانم پس از سرقت منزل در منطقه گیشا سوار بر خودرو بودیم که خودروی ۲۰۶ راهمان را سد کرد. سرشنیان ۲۰۶ از ما خواستند توقف کنیم. اما ما به راهمان ادامه دادیم و سرشنیان خودرو به ما مسلح شدند و به طرف ما شلیک کردند.

**■ چرا توقف نکردید؟**

تصور نمی‌کردیم سرشنیان خودرو مأمور پلیس باشند برای همین فرار کردیم. وقتی سرشنیان خودرو به ما شلیک کردند، ما هم دست به اسلحه شده و چند تیر شلیک کردیم که در نهایت دستگیر شدیم.

## ایران



راننده مینی‌بوس



عکس: اورژانس

## پیام تسلیت

می‌کنم و ابراز تأسف از اینکه به دلیل عزیمت به مأموریت اجباری، امکان حضور در کنار سوگواران عزیز این مصیبت برابم مقدور نیست: از خداوند سبحان صبر و اجر برای بازماندگان مسألت دارم. **■** علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت نیز با ابراز تأسف از حادثه تصادف مینی بوس حامل دانش آموزان در ماهیدشت شهرستان کرمانشاه، جان‌باختن دو تن از دانش آموزان را تسلیت گفت.

**■** وزیر آموزش و پرورش، درگذشت دو دانش آموز کرمانشاهی را بر اثر سانحه ناگوار واژگونی مینی بوس حامل دانش آموزان در بخش ماهیدشت شهرستان کرمانشاه تسلیت گفت. یوسف نوری در متن پیام خود آورده است: اینجانب آسمانی شدن دانش آموزان عزیز: «مبینا مرادی» و «عسل اخوت» را به والدین محترم و داغپدیده این نوجوانان سفر کرده، مردم شریف استان کرمانشاه و جامعه تعلیم و تربیت کشور تسلیت عرض

که در زمان تصادف، مه گرفتگی موجب شده تا راننده کامیون دید کافی نداشته و در حالی که به عقب حرکت می‌کرده از پشت با مینی‌بوس برخورد می‌کند و بر اثر شدت این برخورد مینی بوس ۲۰ متر جلوتر واژگون شد.

داشتند که جزو مصدومان بودند. کیخسرو دستغیب رئیس پلیس راه استان کرمانشاه نیز درباره علت سانحه گفت: مینی‌بوس به‌دست کامیون برخورد کرده و این علت سانحه بوده است. محور هلهشی به ماهیدشت محور فرعی است

وی افزود: متأسفانه ۲ دانش آموز فوت کرده‌اند و ۱۶ دانش آموز و راننده هم مصدوم شده‌اند که ۲ مصدوم با وسیله شخصی و مابقی هم با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند. در این حادثه ناظم مدرسه و فرزندش هم حضور

وی در پاسخ به این سؤال که مقصد سرویس کجا بوده عنوان کرد: در همه کشور طرحی به نام روستامحوری داریم که دانش‌آموزان هر روستا به‌دلیل آنکه در یک مقطع مثل دبیرستان تعدادشان محدود است، جمع می‌شوند و در یک روستا آن مقطع را می‌گذرانند. این مینی‌بوس هم دانش‌آموزان چند روستا را به قصد بردن به یک مدرسه واحد به نام کوثر در روستای دولت‌آباد سوار کرده بود که در میانه راه دچار سانحه شد.

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه درباره علت استفاده از مینی‌بوس فرسوده و نالایم برای انتقال دانش‌آموزان گفت: متأسفانه خانواده‌ها برای گرفتن سرویس حمل‌ونقل فرزندان‌شان به ما مراجعه نکردند اگر تفاضایی بود به طور حتم بحث امنیت سرویس را مورد بررسی قرار می‌دادیم. آنها خودشان این سرویس را برای حمل‌ونقل فرزندان‌شان کرایه کرده بودند. از سوی دیگر این مسأله را هم در نظر داشته باشیم که اگر مینی‌بوس استانداردهای لازم را نداشت نباید ماشین بیمه می‌شد و مجوز حرکت می‌داشت و حالا هم اگر اشکالی به امنیت مینی‌بوس وارد است باید دستگاه‌های ذیربط که مجوز حرکت به آن داده‌اند پاسخگو باشند. یزدان‌پناه در جواب این پرسش که چگونه در چنین مینی‌بوسی ۱۹ نفر سوار

مجدید یزدان‌پناه مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه در این باره به «ایران» گفت: پس از اعلام گزارش این حادثه ما به همراه استاندار و رئیس دانشکده علوم پزشکی بلافاصله به بیمارستان رفیقیم از همان مراحل ابتدای ورود مصدومان پیگیر درمان‌شان شدیم و تا کنون ۵ نفر از دانش آموزان مصدوم ترخیص شده‌اند.

## با رضایت خانواده مقتول

**گروه حوادث:** معصومه مرادپور/ زن جوان که ۱۶ سال قبل با شلیک گلوله مردی را به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود سرگراه دیروز وقتی برای اجرای حکم در ندانمگاه کرج پای چوبه دار رفته بود در آخرین لحظات با رضایت اولیای دم از مرگ نجات یافت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مجاری این پرونده جنایی از ۱۹ مرداد سال ۸۴ همزمان با کشف جسد خونین مردی جوان در خانه‌اش آغاز شد. نخستین بررسی‌های تیم جنایی استان البرز نشان می‌داد مقتول با شلیک یک گلوله به سینه‌اش جان باخته است. در ادامه تحقیقات جسد این مهندس جوان به پزشکی قانونی منتقل شد و کار آگاهان با بررسی تماس‌های تلفنی مقتول ردپای یک زن را پیدا کردند. با دستگیری وی و همسرش سرانجام راز این جنایت فاش شد.

زن ۲۰ ساله در بازجویی‌ها گفت: من این مهندس جوان را کاشتم. نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد اما مجبور شدم الان هم خیلی پشیمانم.

زن جوان در حالی که گریه می‌کرد گفت: شوهرم مرا مجبور به این کار کرد. او مرا وادار می‌کرد با ترقتد سرراه مردان ثروتمند قرار بگیرم تا در فرصتی مناسب او با اسلحه به محل قرار ما بیاید و اقدام به سرقت مسلحانه و اخاذی کند. روز حادثه هم وقتی من در حال صحبت با مقتول بودم شوهرم سر رسید و با اسلحه او را تهدید کرد که اگر می‌خواهی آبرویت نرود باید پول بدهی اما او در دفاع از خودش با شوهرم درگیر شد و من هم به ناچار اسلحه‌ای که در کیفم داشتم را بیرون آوردم و دو گلوله به مهندس جوان شلیک کردم که یک گلوله به دیوار و گلوله بعدی به سینه او خورد.

با اعتراضات این زن همسرش نیز دستگیر شد و پس از چندین جلسه محاکمه در دادگاه کیفری البرز زن جوان به قصاص و ۱۰ سال حبس به خاطر سرقت مسلحانه و اخاذی و شوهرش نیز به اتهام سرقت مسلحانه به ۱۵ سال حبس محکوم شد و این حکم از سوی دادرسان دیوانعالی کشور مهر تأیید خورد. با تأیید این حکم پرونده زن جوان به شعبه

ششم اجرای احکام رفت تا سرگراه چهارشنبه ۱۷ آذر حکم قصاص انجام شود. ساعت ۶ به‌مداد دیروز در کرج و میش هوا درهای آهنی زندان کرج باز شد و زن ۳۶ ساله قدم در حیاط زندان گذاشت. زن زندانی با دیدن چوبه دار به سختی قدم‌های لرزان‌ش را روی زمین می‌کشید و به سمت ایستگاه مرگ حرکت می‌کرد. از شب قبل که او را به سلول انفرادی و قرنطینه برده بودند می‌دانست آخرین شب زندگی‌اش را پشت سر می‌گذارد اما باز هم ندایی در درونش به او امید می‌داد که از لطف و بخشندگی خداوند ناامید نشود. در آخرین لحظات زندگی به راز و نیاز پرداخت و به خاطر گناهانش طلب عفو کرد.

رئیس شعبه ششم اجرای احکام دادگستری کرج، مسئولان زندان فردیس و ندانمگاه کرج، مددکاران و اولیای دم مقتول در زندان حضور یافتند. مذاکرات برای بخش متهم با اولیای دم ادامه داشت اما خبری از بخشش نبود. بالاخره زن جوان روی سکوی اعدام رفت و طناب دور گردنش حلقه شد.

سال زندگی در خانه‌ای که جزه‌راس و ترس در آن چیزی وجود نداشت. فثانه بدشت از سعید می‌ترسد و وهم این را دارد که اگر او آزاد شود، هرچایی باشد او را پیدا کند و بکشد. فثانه گفت: دیلم که گرفتم پدرم اجازه نداد ادامه تحصیل بدهم و مرا تنگ می‌زد که کار کنم تا بتوانم هزینه مواد مخدر او را تهیه کنم. آخرین بار هم مرا از خانه بیرون انداخت. من سرگردان مانده بودم که کجا بروم، به خودم که آدم دیدم در میدان راه‌آهن هشتم و چند دقیقه بعد سعید به سراغم آمد و گفت جایی برای ماندن دارد. با سعید همراه شدم و هرگز نمی‌دانستم که چه سرنوشت شومی در انتظارم است. او ادامه داد: وقتی وارد خانه سعید شدم، او مرا حبس کرد و برای اینکه ما به فرار فکر نکنیم، از ما فیلم گرفت. فیلم‌های سیاه و فیلم‌هایی که ما را مجبور کرده بود به مقدسات و اشخاص مطرح کشور توهین کنیم. می‌گفت اگر فرار کنید فیلم‌ها را به پلیس می‌دهم و به‌خاطر اهانتی که مرتکب شده‌اید به اعدام محکوم می‌شوید. یک روز صدای سعید که از خواهرش پیچ گوشتی می‌خواست را شنیدیم و صدای فریادها دختر جوان را که کمک می‌خواست. بعد از آن صدای مقتول برای همیشه قطع شد و دوباره ما هیچ صدای داخل حمام نگه‌داری می‌شد. اما

**گروه حوادث:** **مرجان همایونی/** پرونده مردی که متهم به قتل یک زن و حبس دو دختر در خانه اش است با کشف پرتخ‌صورت رخ‌های تازه وارد مرحله تازه‌ای از تحقیقات شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، به‌دنبال کشف جسد ناشناس دختر جوان داخل کیسه‌ای نایلونی در واحد شماره ۶ ساختمانی در خیابان خرمشهر خیابان قزوین و رهایی دو دختر ۲۰ و ۲۱ ساله از اسارتگاه مرد شیطان صفت تحقیقات به دستور بازپرس محمد وهابی آغاز شد.

در ادامه تحقیقاتی که روز گذشته در دادسرای امور جنایی پایتخت صورت گرفت، سعید (متهم) در حالی که منکر اتهام قتل است سعی داشت با داستان‌سرایی‌های مختلف مسیر تحقیقات را تغییر دهد، وی مدعی تحقیقات مدعی شد: من جنایتی مرتکب نشده‌ام، فثانه و شراره دل به من بسته بودند شراره به مقتول حسادت می‌کرد و برای همین او را کشت. وی که با دیدن خبرنگاران در دادسرا شروع به تهدید و توهین به آنها کرده بود وقتی با تذکر بازپرس پرونده رو به رو شد گفت: من از زن‌ها متفرم نمی‌توانم علت این خشم و نفرت را بگویم اما همین موارد باعث شده تا نسبت به خبرنگاران خانم هم حس خوبی نداشته باشم.

**مسافرت ترکیه** شراره، دختر جوانی که ۸ ماه داخل کمد نگهداری می‌شد، در تحقیقات گفت: من فرزند ناخواسته پدر و مادرم بودم. پدرم بارها سعی کرده بود من قبل از به دنیا آمدن سقط شوم همین کارها باعث شد که من با پای فلج به دنیا بیایم. بی‌سواد هشتم و قبیل از اینکه در دام سعید بی‌فتم، پول‌هایم را جمع کردم و تصمیم گرفتم به ترکیه بروم. از اسلامشهر راهی تهران شدم اما از شانس بد زمانی رسیدم که ساعت کاری بانک‌ها تمام شده بود و نتوانستم پولی از حسابم برداشت کنم و مجبور شدم که شب را در تهران بمانم. اما جایی برای ماندن نداشتم و در اطراف راه‌آهن سرگردان بودم که سعید را دیدم و او گفت می‌تواند برای آن شب به من جا بدهد. من هم راهی خانه سعید شدم و ۸ ماه در خانه او محبوس شدم. در تمام این مدت در کمد محبوس بودم و او اجازه نمی‌داد حتی به دستشویی بروم. چون اعتیاد به مواد مخدر داشتم، سعید برایم شیشه تهیه می‌کرد و در شبانه روز یک وعده غذا به من می‌داد.

**فیلم‌های جنجالی**

قربانی دوم این پرونده فثانه است، دختری همنس و سال شراره با این تفاوت که او رکورد دار حبس در خانه مخوف است. ۳

## جزئیات تازه در پرونده قاتل خانه وحشت



متهم



دختران محبوس در خانه

برای رازگشایی از جنایات احتمالی او ادامه دارد. این در حالی‌است که طبق اظهارات پلیس مشخص شد در یک ماه گذشته جسد دو زن جوان دیگر نیز در همان محدوده کشف شده است و کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت هنگام بازرسی از خانه متهم، کارت شناسایی زن جوانی را به‌دست آورده‌اند و به دستور بازپرس جنایی، کارت شناسایی و اجساد کشف شده مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا مشخص شود که آنان قربانیان متهم دستگیر شده هستند یا خیر.

بعد از آن جسد به داخل اتاق انتقال داده شد و سعید مدام عود روشن می‌کرد تا بوی تعفن جسد بیرون نرود. خواهر سعید هم همان شب با ما دستگیر شد. فثانه به بازپرس گفت: دلم نمی‌خواهد به خانه پدرم برگردم چون سرنوشت خوبی در انتظارم نیست، اگر می‌شود مرا به بهزیستی تحویل دهید.

**■ بررسی صحت روانی متهم**

به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران، سعید برای بررسی صحت روانی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات